

ماجرای عشق و عاشقی میدون

روی شجریان و کیارستمی حساسم

پوریا عالمی

● بابای سوفیا روی همه چیز حساس بود. من هم از همه جا بی خبر عید یا شدم و رفتم خواستگاری. بابای سوفیا گفت: از ممدرضا چه خبر؟ گفتم: ممدرضا؟ ممدرضا نداشتیم. من میدون هشتم میدون دوم. داداش و اینا هم یا میدون هشتند یا بن‌بست یا بزرگراه یا زیرگذر. بابای سوفیا گفت: با قاضیل تو چی کار دارم بچه؟ از ممدرضا شجریان چه خبر؟ ما بلیت گرفتیم برویم کنسرت باهاش مرغ سحر را دوصدانه بخوانیم جگر مردم حال بیاید.

گفتم: عذر می‌خواهم. ایشان کسالت داشتند. بابای سوفیا گفت: چی؟ کسالت؟ من روی ممدرضا حساسم. خب می‌پردیش دکتر. گفتم: من؟ من می‌بردم دکتر؟ بله... البته حق دارید من تا شنیدم رفتم بردمش دکتر. بابای سوفیا گفت: خب؟ دکتر ویزیتش کرد بهتر شد؟

گفتم: نه راستش. خوب بودها. دکتر که دیدش حالش خراب شد و بستری شد.

بابای سوفیا عصبانی شد و گفت بردیش دکتر بدتر شده؟ ما چنندا ممدرضا داریم؟ کاش تو بستری شده بودی.

گفتم: بله. اگر شما با ازدواج من و سوفیا موافقت کنید من تقاضا می‌کنم جای استاد من را بستری کنند. بابای سوفیا قندسان را پرت کرد سمت من و گفت: پسرم دم درآوردی‌ها. اسم دختر من را آوردی نیارودی‌ها.

وقتی قندان را سمت فرستاد، من اول خواستم جاخلی بدهم که یکهو دیدم موقعیت گل است و حیف است نابراین هد زدم و قندان را با هد پاس دادم به آبجی سوفیا که نشسته بود روی مبل و داشت دایسمش از خودش می‌گرفت.

بابای سوفیا گفت: ممدرضا هیچی، از عباس چه خبر؟

گفتم: عباس نداشتیم. من میدون هشتم میدون دوم. داداش و اینا هم یا میدون هشتند یا بن‌بست یا بزرگراه یا زیرگذر.

بابای سوفیا گفت: حالا توام با اینن قاضیلان. عباس کیارستمی را می‌گویم. از او چه خبر؟ فیلمی، نمایشگاهی، چیزی ندارد؟

گفتم: راستش آقای کیارستمی هم سرما خورده بودند رفتم دیکتر بیمارستان جم.

بابای سوفیا گفت: پس کسالت رفع شده و همه چیز حل است؟

گفتم: نه اتفاقا تا رفتم دکتر همه چیز مخلوط شد و ریخت به هم و یک سرماخوردگی ساده تبدیل شد به بستری طولانی و حال وخیم و عمل اشتباه.

بابای سوفیا گفت: چرا؟

گفتم: چون نصف دکترهای این زمانه دوشغله هستند، یک دستان توی شکم مریض است و یک دستان توی ساخت‌وساز. از همین‌رو این اساتید به کار زیربنایی اعتقاد دارند و معتقدند اول باید تخریب کرد بعد روش برج ساخت. خلاصه اگر بروی بگویی سرما خوردم، دست‌کم یک هفته بسترت می‌کنند (خود این یعنی شبی دست‌کم یک تومان بدون همراه، بدون پول عمل و...) بعد درونت کندوکاو می‌کنند جوشی، غده‌ای، زخمی، چیزی پیدا کنند. چیزی هم پیدا نکنند نصف روده و کیسه صفرا را برمی‌دارند که جا باز شود برای ساخت‌وساز لا‌بد.

بابای سوفیا وسط حرف‌های من جوش آورده بود چون روی عباس کیارستمی هم حساس بود. یکهو داد زد: ما همین یک عباس را داریم. اینها حق دارند صفراش را اشتباه بردارند. کاش تو را ماشین زده بود و بستری شده بودی...

گفتم: ببخشید من از طرف جامعه پزشکی که ایام نوروز می‌روند سانفرانسیسکو سفر، عذرخواهی می‌کنم. ببینم اگر من بروم جای آقای کیارستمی بستری بشوم و صفرام را تقدیم جامعه هنری کنم شما با ازدواج من و سوفیا موافقت می‌کنید؟

که بابای سوفیا یا شد پنجره را باز کرد که من فکر کردم به قول شاعر پنجره‌ها را باز کرد تا عشق را بیاورد به خانه تا قاری عشق بخواند باز عاشقانه (دوبار) که متأسفانه نه، قصد داشت من را از پنجره بیندازد پایین. الان هم بند شلوارم گیر کرده به ال‌ان‌بی ماهواره همسایه یابینی سوفیا اینا و دارم به صورت آنلاین برایتان قصه خواستگاری ام را تعریف می‌کنم...

نتیجه‌گیری

وقتی مریض می‌شوید مرض که ندارید؛ نروید دکتر و صبر کنید خویش خوب بشود.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۵
۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷
۳۰ آوریل ۲۰۱۶
سال سیزدهم- شماره ۲۵۴۹
۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸
اذان مغرب ۱۹:۴۶
اذان صبح فردا ۵:۲۱
طلوع آفتاب ۶:۴۶

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

در پایان تعطیلات نوروزی طرح «زیاله بده هدیه بگیر» در اردبیل اجرا شد



نگاه

موسیقی؛ بی مرجع و ریش سفید



سیدابوالحسن مختاباد

در چندروز قبل از نوروز اتفاقاتی در موسیقی ایران افتاد که تقریبا نظیر آن را نگارنده حداقل در چند دهه گذشته به یاد ندارد؛ اتفاقاتی که سبب شد بزرگان به صورت هم چنگ انداخته و برخی مسائل که هیچ دلیلی برای رسانه‌ای‌شدن آنها نیست بر روزن رسانه افتد. پرسش این است که چرا چنین شده است و چرا ما (اهالی موسیقی) به اینجا رسیدیم؟ اگر بخشی از مشکل را به مسائل و اختلافات میان اهالی موسیقی مرتبط بدانیم، بخشی دیگر را می‌توان به نبود مرجع یا داوری نهایی برای حل چنین اختلافاتی ارتباط داد؛ داوری که دو طرف به آن تمکین و رایش را قبول داشته باشند. در ساختار کنونی و در صورتی که روند امور به شکلی طبیعی پیش می‌رفت باید در سه نقطه محوری این اختلافات پیش از رسانه‌ای‌شدن حل‌وفصل می‌شد. بخش نخست در سطح نهاد صنفی؛ اگر یک نهاد صنفی محکم و استوار در میان اهالی موسیقی وجود داشت که در ساختار خود کمیته داوری داشت و هنرمندان موسیقی شکایات و اختلافاتشان را به آنجا می‌بردند، به قطع و یقین بسیاری از این امور به رسانه‌ها کشیده نمی‌شد، اما همه ما می‌دانیم که نهاد صنفی به نام خانه موسیقی اصولا کمیته‌ای به نام کمیته داوری یا حل‌اختلاف ندارد. البته داشت! یک بار تشکیل شد و به فرموده هیات‌مدیره تمامی اعضای آن کمیته هم عضو هیات‌مدیره بودند تا به شکایات هیات‌مدیره از کانون سازسازان رسیدگی کنند که در نهایت حکمی غیرقانونی داد نسبت به تعلیق کانون سازسازان و بعد از آن دیگر تشکیل نشد. درمقابل کمیته‌های داوری و حل‌اختلاف در ساختار نهادهای صنفی‌ای چون خانه سینما یا اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران برقرارند و هرساله بسیاری از اختلافات میان خودشان را حل‌وفصل می‌کنند. شخص نگارنده زمانی دبیر کمیته

اولویت‌های سال جدید کدام است؟

شرق، سال ۹۵
شروعی متفاوت داشته. در چنین شرایطی که اوضاع به مراتب



محمدعلی نجفی ◀ سینماگر

اولویت اصلی سال پیش‌رو، اهمیت‌دادن به مسئله فرهنگ است؛ اما نه به معنای فرهنگ دولتی. دولتی‌شدن فرهنگ، سرانجام هنر را به جایی می‌رساند که امروز در وضعیت تلویزیون شاهد هستیم. آیا تلویزیون توانسته در مقایسه با سایت‌ها، کانال‌های ماهواره‌ای و... مخاطب درخورتوجهی از آن خود داشته باشد؟ چرا؟ چون در این عرصه فرهنگ دولتی شده است. برای خروج

مهدی تقوی



اوضاع اقتصادی کشور در سال ۹۵ در مقایسه با سال قبل، دچار تغییر جدی خواهد شد و این را از همین روزهای نخست سال می‌توانید ببینید. سال ۹۵ را ایرانی‌ها بدون تحریم آغاز کرده‌اند و این یعنی فروکش‌کردن مشکلاتی که مدت‌ها جامعه ایرانی و اقتصاد کشور از قبل تحریم‌ها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد. با این حساب باید منتظر بود که – در صورت همکاری دولت–

بهاریه

۹۵؛ سال رونق



پدرام سلطانی

● سال ۹۴ سال اتفاقات مثبت برای اقتصاد کشور بود. یکی از این اتفاقات رفت‌وآمد هیات‌های تجاری و اقتصادی به کشور بود؛ معتقدم اکثر این هیات‌ها در برگشت حامل پیام ظرفیت بالا، ثبات لازم و امکانات مناسب ایران برای فعالیت بودند. آنچه برای سال پیش‌رو باید انتظار داشت، این است که این هیات‌ها با اراده جدی و هدف مشخص برای شروع کار با ایران به کشورمان بیایند و سال به‌تمرکزنشستن این رفت‌وآمدها و آغاز تجارت و سپس سرمایه‌گذاری مشترک و سرمایه‌گذاری مستقیم شود.

برای سال ۹۵ البته پیش‌بینی‌های دیگری نیز می‌توان داشت. سال آینده به شهادت تحلیل‌های داخلی و خارجی سال رونق اقتصاد کشور خواهد بود. می‌توانیم انتظار رشدی پنج‌درصدی را داشته باشیم. این رشد برای کشورمان که در سال‌های گذشته رشد نزدیک به صفر یا منفی را تجربه کرده، نوید یک تحول جدی و خروج مقتدرانه و باتاث از رکود است. سال آینده همچنین برای صنعت نفت کشور سال پُرونق‌ی خواهد بود؛ اگر چه قیمت نفت در سال پیش‌رو بالا نخواهد رفت، اما در نتیجه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و نیز افزایش صادرات نفت، میعانات گازی و فراورده‌های مربوطه درآمد کشور از این محل بیشتر خواهد شد و به‌همین‌دلیل می‌توان انتظار داشت که صنعت نفت ایران عقب‌ماندگی‌اش را نسبت به صنعت نفت دنیا تا حدی ترمیم کند.

سال ۹۵ همچنین سال رشد گردشگری است و رشد گردشگر ورودی در سال آینده ادامه پیدا می‌کند. پروژه‌های گردشگری اعم از هتل‌سازی و ایجاد مکان‌های تفریحی و توریستی نیز رونق پیدا می‌کند و منجر به تثبیت رشد این حوزه می‌شود؛ همچنین در حوزه صنایع غذایی و کشاورزی سال ۹۵ سال پُرونق‌ی پیش‌بینی می‌شود؛ اگرچه در این سال کاهش بارش اثر خودش را بر این حوزه خواهد داشت؛ اما صادرات موادغذایی و کشاورزی در به کشورهای همسایه افزایش پیدا خواهد کرد. در صنعت خودروسازی نیز با توافقات انجام‌شده، در سال ۹۴ شاهد تحرک‌هایی در این حوزه بودیم و باید امیدوار بود در سال آینده سرمایه‌گذاری‌های مشترک در این زمینه کلید بخورد. در حوزه پتروشیمی بازارهای اروپا در سال ۹۵ به روی ما باز می‌شود و به‌همین‌دلیل با قدرت چانه‌زنی بیشتری می‌توانیم تولید و فروشمان را افزایش دهیم. در حوزه بانکداری نیز به‌تدریج روابط کارگزاری بانک‌های داخلی و خارجی بهبود پیدا می‌کند. این اتفاق باعث گشایشی در این حوزه می‌شود و موجب فراهم‌شدن زیرساخت بانکی برای ارزان‌تر، مطمئن‌تر و سهل‌ترشدن تجارت خارجی ما با دنیا می‌شود. طبیعتا در حوزه خدمات اعم از حوزه حمل‌ونقل، حوزه صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات و حوزه اقتصاد سلامت شاهد تحرک و رشد در سال ۹۵ خواهیم بود.

سال آینده با تمام رشد و رونق‌هایی که گفته شد، در حوزه حکم‌شده تغییر دیگری نخواهیم بود؛ زیرا بخش اصلی حجم نقدبینگی به سمت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دیگر مانند حوزه تولید، خدمات، بازار سرمایه و... سوق پیدا می‌کند؛ ازهمین‌رو مسکن و صنایع وابسته به مسکن در سال ۹۵ سال متفاوتی را تجربه نخواهند کرد؛ به‌همین‌دلیل این صنایع باید برای صادرات و روانه‌کردن کالاهایشان به سمت بازارهای صادراتی تلاش کنند.

به‌طورکلی می‌توان گفت سال آینده شاهد خروج اقتصاد کشور از رکود و سال ساختن سکوهای محکم‌تری برای رشد و توسعه تولید کشور است؛ اما چون سال آینده سال جبران مافات سال‌های تحریم است، رشد اقتصاد کشور به‌آسانی اتفاق می‌افتد؛ درصورتی‌که این رشد باید با درایت هدایت شود تا رشد ایجادشده در سال پیش‌رو آغاز یک روندی طولانی‌مدت باشد و نه نسیم گشایشی زودگذر.

◀نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

بهرتر از سال ۹۴ به نظر می‌رسد، دولت، مجلس و قوه قضائیه چه اولویت‌هایی را برای بهبود وضع زندگی اقشار مختلف مردم باید در دستورکار قرار دهند؟

کافه نظر

از این وضعیت، بهترین کاری که می‌شود انجام داد، جداسازی مسئله فرهنگ از حاکمیت دولت است. در چنین شرایطی، دولت می‌تواند به‌عنوان ناظر، به بررسی و نقد تولیدات فرهنگی در حوزه‌های مختلف بپردازد، به جای اینکه بخواهد نظراتش را در ساخت آثار هنری و فرهنگی، به صورت فرمول درآورده، البته این راهکار به معنای آن نیست که دولت از هزینه‌کردن در حوزه فرهنگی دست بکشد؛ بلکه در هر شرایطی، دولت‌ها هرچه برای فرهنگ هزینه کنند، از نظر من کار درستی است.

قیمت دلار کاهش پیدا کند، واردات ارزان‌تر شود و همان‌طورکه رئیس‌جمهور قول داده، تورم به زیر ۱۰ درصد برسد؛ نابراین شاید بتوان گفت که اولویت اصلی امسال، تمرکز بر بخش صنعت و خصوصا نوسازی صنایع کشور است. در طول این سال‌ها، بخش صنعت به خاطر تحریم‌ها با مشکلات فراوانی مواجه بود و حالا شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای رقم خورده که می‌توان امیدوار بود با ورود کالاهای تکنولوژیک، بازگشت پول‌های بلوکه‌شده به کشور و ضمن نوسازی صنعت، به سمت رشد اقتصادی چشمگیری حرکت کنیم.

تجربه ما به روایت دیگران

داستان یک سوءتفاهم

سوکوار شدیم. ما دیگر مردم جهان را دوست داریم و دوست نداریم کشته‌شدن آنها را ببینیم. خود من دختری ۲۳ساله هستم و دوستان بسیاری از میان سنی‌مذهب‌ها و ادیان دیگر دارم. مهدی مرزاده از ارومیه می‌گوید: «مادرم کرد و پدرم ترک است. یکی سنی و دیگری شیعه است. ما هیچ‌وقت سر مذهب و نژاد با هم بحث نکرده‌ایم چون هر دو آنها هر زمان که بخواهند و هر جایی که باشند می‌توانند به مسجد بروند و خدا را عبادت کنند. این به این معنی نیست که همه چیز به ایران االی است و هیچ منتقدی در کشور وجود ندارد ولی ما زندگی خوبی داریم». مرتضی میبیدی، از میبد می‌گوید: «تصور غرب درباره کشور ما بسیار اشتباه است. ما کشوری با تنوع زیاد هستیم. گروه بزرگ‌تری از کشور ما معتقدان مذهبی هستند. بخش‌هایی هم در کشورمان هست که طرز نگاهشان به زندگی حتی شبیه به غربی‌هاست. حتی می‌توانم بگویم اقلیت‌هایی در کشورمان هستند که مثل نوام چامسکی یا برنی سندرز فکر می‌کنند. نباید ما را شبیه عرب‌ها یا اقوام دیگر دانست». علی کیانی از تهران می‌گوید: «شنیده‌ام که غربی‌ها فکر می‌کنند ایرانی‌ها برای رفت‌وآمد از شتر استفاده می‌کنند ولی این‌طور نیست. ما ماشین و اتوبوس و مترو داریم. وقتی آزادی وجود نداشته باشد که من درباره خودم با شما حرف بزنم، مشخص است که این سوءتفاهم‌ها ایجاد می‌شود». جوانی از قم که نخواست اسمش فاش شود، می‌گوید: «ما پچه‌های فیلترینگ هستیم. چه انتظاری دارید که دنیا تصویر درستی از ما داشته باشد. تنها وقتی تورسیست‌ها به کشور ما می‌آیند با گوشه‌ای از زندگی‌ما آشنا می‌شوند اما این شکل ارتباط، ارتباط واقعی نیست. ما باید بتوانیم با دنیا حرف بزنیم و امیدوارم که توافق هسته‌ای فرصت جدیدی را در این زمینه بیافریند». کیا ضیا، از سنگاپور می‌گوید: «غرب یک تصویر کلیشه‌ای از ایران دارد که عمدتا ساخته رسانه‌ها و سیاست‌مداران شما ورا ارائه می‌دهیم. هر یک خودشان توصیف می‌کنند. شاید ما مشکلات زیادی در داخل کشور داشته باشیم اما به‌طور قطع آدم‌های صلح‌طلبی هستیم. ما القاعده، بوکوحرام، داعش یا دیگر گروه‌های سلفی نیستیم. ما تلاش می‌کنیم از فرصت پیش‌آمده برای حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استفاده کنیم». آگرا از رشت می‌گوید: «ما آن‌طورکه رسانه‌های غربی می‌گویند، عرب نیستیم. زبان مادری ما فارسی است نه عربی، تقویممان شمسی است نه قمری، سال نویمان را در ابتدای بهار جشن می‌گیریم و خیلی تفاوت‌های دیگر با اعراب داریم. من یک دختر از رشت هستم؛ منان شهرک که به‌تازگی به‌خاطر تنوع غذایی‌اش در یونسکو ثبت شد». بیمان ابراهیمی از اهر می‌گوید: «بزرگ‌ترین افتخار ما وحدت اقوام مختلف با فرهنگ، زبان و آداب و رسوم متفاوت در قالب یک ملت است. ما وجود ۴۰ سال تحریم ما زندگی خوب و شادی داریم و اگر تحریم‌ها برداشته شود تنها می‌تواند زندگی ما را بهتر کند». سوزنا بهرامی از سمنان می‌گوید: «غربی‌ها انسانیت ما را دست‌کم می‌گیرند. زمانی که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق افتاد، ما هم مثل دیگر جهان

اتفاق

دروغ‌های دردرساز آوریل

دهند و در تمام طول روز وانمود می‌کردند که اسم پایتخت کشورشان به جای «ژنو»، «اونو» است. حتی مسئولان نیز با این حرکت گوناگونی را به دنبال داشت: مثلا ماجرای مرگ محمود فرشچیان، انتقال یک بازیکن به تیم معروف، ماجرای اجرای کنسرتی در تهران، دادن ویزا در فرودگاه لندن به ایرانی‌ها آن‌هم به مدت شش ماه یا مالیات بستن به استفاده از فیس‌بوک چند نمونه آن است. در جهان هم دروغ روز اول آوریل دردرساز شده است. اگرچه بعضی از این دروغ‌ها بسیار خلاقانه هستند و در برخی از نقاط جهان همه مردم دست‌به‌دست هم داده‌اند تا این دروغ را خلق کنند؛ برای مثال در آلاسکا، مردم این کشور تصمیم گرفتند به مناسبت روز اول آوریل اسم پایتخت کشورشان را به اسم یک بازی محلی تغییر بدهند و در تمام طول روز وانمود می‌کردند که اسم پایتخت کشورشان به جای «ژنو»، «اونو» است. حتی مسئولان نیز با این حرکت همراه شدند و سایت رسمی پایتخت این کشور در این روز از اسم اونو استفاده می‌کرد. به‌طوری‌که در ورودی این سایت نوشته بود: «به شهر اونو» خوش آمدید. اگرچه شوخی روز اول آوریل برای بعضی‌ها هم مشکلاتی ایجاد کرد. شرکت بزرگ گوگل که به مناسبت این روز می‌خواست کاری خلاقانه بکند، به سرویس جیمیل گزینه‌ای اضافه کرده بود که به‌جای پاسخ ایمیل افراد یک شکلک فرستاده می‌شد. این کار با شکایت‌های زیادی که از آن شد، باعث عذرخواهی این شرکت شد. این درسرها منجر به این شد که دولت چین از مردمش بخواهد که از شوخی‌کردن در این روز خودداری کنند.

شرق؛ ماجرای دروغ‌هایی که به مناسبت اول آوریل یا سیزده‌به‌در که در این چند روز مطرح شد کاهلی نیز از شوخی‌ها نیست. اگرچه گوناگونی را به دنبال داشت: مثلا ماجرای مرگ محمود فرشچیان، انتقال یک بازیکن به تیم معروف، ماجرای اجرای کنسرتی در تهران، دادن ویزا در فرودگاه لندن به ایرانی‌ها آن‌هم به مدت شش ماه یا مالیات بستن به استفاده از فیس‌بوک چند نمونه آن است. در جهان هم دروغ روز اول آوریل دردرساز شده است. اگرچه بعضی از این دروغ‌ها بسیار خلاقانه هستند و در برخی از نقاط جهان همه مردم دست‌به‌دست هم داده‌اند تا این دروغ را خلق کنند؛ برای مثال در آلاسکا، مردم این کشور تصمیم گرفتند به مناسبت روز اول آوریل اسم پایتخت کشورشان را به اسم یک بازی محلی تغییر بدهند و در تمام طول روز وانمود می‌کردند که اسم پایتخت کشورشان به جای «ژنو»، «اونو» است. حتی مسئولان نیز با این حرکت همراه شدند و سایت رسمی پایتخت این کشور در این روز از اسم اونو استفاده می‌کرد. به‌طوری‌که در ورودی این سایت نوشته بود: «به شهر اونو» خوش آمدید. اگرچه شوخی روز اول آوریل برای بعضی‌ها هم مشکلاتی ایجاد کرد. شرکت بزرگ گوگل که به مناسبت این روز می‌خواست کاری خلاقانه بکند، به سرویس جیمیل گزینه‌ای اضافه کرده بود که به‌جای پاسخ ایمیل افراد یک شکلک فرستاده می‌شد. این کار با شکایت‌های زیادی که از آن شد، باعث عذرخواهی این شرکت شد. این درسرها منجر به این شد که دولت چین از مردمش بخواهد که از شوخی‌کردن در این روز خودداری کنند.

